

با در نظر گرفتن یک برنامه ریزی دقیق و بلند مدت که فقط معطوف به شش ماه و یکسال و یا مناسبت خاصی نباشد می توان به فهرست کوتاه آثاری همچون «داستان یک شهر»، «بیگانه ای در میان ما» و «پریا» در خصوص بیماری ایدز و دو مجموعه «زمانه» و «شرم» که به مقوله ی سرطان می پردازند عناوین بیشتر که مبتنی بر کار تحقیقی و پرداخت نمایشی بهتری باشند را افزود



نگاهی به لزوم پرداخت به بیماری های صعب العلاج در سریال ها

مأموریت مهم داستان های تلویزیونی

تردید نیست که آگاهی بخشی در حوزه های مختلف اجتماعی یکی از مهم ترین رسالت هایی است که برای سیما به عنوان تنها رسانه مجاز تلویزیونی کشور تعریف شده است. رسالتی که تلویزیون در تمام تاریخ چند دهه ای فعالیت خود در حال تلاش برای به انجام رساندن آن بوده که تولید و پخش صدها برنامه آموزشی، علمی، اجتماعی و... گواهی بر این مدعاست. با این حال در این میان چالش هایی هم وجود داشته و دارد که گاه کار را برای تصمیم گیران و برنامه سازان سیما مشکل و حساسیت برانگیز می کند؛ مقوله چگونگی پرداختن به برخی از بیماری های خاص و صعب العلاج یکی از آنهاست. موضوعی که تاحدی

ماژنار معاونی
پزشک و منتقد
تلویزیون و سینما

در رسانه به آن پرداخته شده اما هنوز هم جای صحبت بسیار دارد.

تابوزدایی ادامه دار

احمد امینی دومین کارگردانی بود که سه سال بعد یعنی در بهار سال ۸۳ با سریال هفتگی «بیگانه ای در میان ما» گام دوم را برای تابوزدایی از این بیماری و بازکردن ابعاد متفاوت آن برداشت. هر چند همچنان همان حساسیت ها مانع از این بود که با موشکافی قابل تأملی به این بیماری خانمان سوز که حیات زندگی زناشویی را بیش از هر مقوله دیگری تهدید می کند، پرداخته شود اما به هر حال همین دو سریال، فتح باب های خوبی بودند برای تغییر استراتژی نادیده گرفتن سیاست و اکاوی معضلات تهدیدکننده حیات فردی و اجتماعی انسان ها که همین اهمیت کار دست اندرکاران وقت تلویزیون برای امکان چنین گشایشی را دوچندان می کند. گشایش هایی که اگر کلید زده نمی شدند، بعید بود در سال های بعد فضای بیشتر و بهتری برای پرداختن به ابعاد بیشتر این بیماری (در قالب سریال های دیگری نظیر مجموعه «پریا» و دیگر برنامه های غیرنمایشی سیما فراهم شود، حتی می توان گفت که این تابوشکنی عاقلانه و به اندازه تلویزیون، راه را برای دیگر قالب های نمایشی به ویژه قالب سینما در پرداختن به چنین مقولاتی بازتر و هموارتر کرد.



چالش های پرداخت به بیماری ها

در میان بیماری های صعب العلاج مختلف از انواع سرطان گرفته تا بیماری های دشواری نظیر ام اس (مالتیپل اسکلروزیس) و ای ال اس (اسکلروز جانبی آمیوتروفیک) و سرانجام بیماری نقص سیستم ایمنی (ایدز)، این آخری یعنی بیماری ایدز تا اوایل دهه ۸۰ از بزرگ ترین چالش های پیش روی برنامه سازان تلویزیونی بود که برای پرداختن به آن با محدودیت های شرعی، عرفی و اخلاقی روبه رو بودند. روش اصلی انتقال این بیماری یعنی راه انتقال جنسی به هر حال حساسیت های خاص خود را داشت و دست تلویزیون به عنوان یک رسانه فراگیر که باید مروج اخلاقیات هم باشد را تا حدود زیادی برای ورود به این مقوله می بست، مشکلی که سرانجام به دست شبکه پنجم سیما (که در آن زمان شبکه تهران نام داشت) و یکی از بهترین مجموعه سازان اجتماعی تاریخ تلویزیون یعنی اصغر فرهادی حل شد که در قالب یکی از اپیزودهای سریال دیدنی «داستان یک شهر» برای اولین بار به این بیماری و عوارض فردی، اجتماعی و زناشویی آن پرداخت.



تلاش برای روایت شیرین تلخی ها

سویه دیگر موضوع که اهمیت آن از وجه قبلی کمتر نیست، شیوه نمایشی کردن این مقولات در سریال های تلویزیونی است. شیوه معتدل و سنجیده که در عین برآوردن رسالت تلویزیون در پرداختن به تمام ابعاد بیماری های خاص به گونه ای باشد که در مجموع به تلخ کردن بیش از اندازه کام جامعه و دمیدن در شیواریاس و ناامیدی نینجامد. شیوه ای که آن قدرها هم ساده و پیش پا افتاده نیست و مطمئناً گروه های سازنده آثار نمایشی در شبکه های مختلف تلویزیونی برای نگارش و ساخت چنین آثاری مسیر سختی در پیش دارند، مسیری که در عین آگاهی بخشی عمومی و تشویق عامه مردم در جهت کمک به هموطنان متأثر از این بیماری ها، به تلخکامی آن در زمانه سخت امروزی که مشکلات معیشتی زندگی را دشوار کرده، بیشتر دامن نزنند. به نظر یکی از راه های معقول برای نمایشی کردن مقولات حساسیت برانگیز این چنینی، استفاده از پیرنگ های چندگانه است. به عبارت دقیق تر طراحی داستان هایی مبتنی بر چند خط اصلی که موضوع بیماری های خاص، یکی از آن چند خط کلیدی اصلی باشد، با چنین پرداختی که البته بهره گیری از فیلمنامه نویسان زبده و کارآزموده را می طلبد، می توان در عین طرح موضوع و ابعاد چندگانه اش، به گونه ای آن را در اتصال با پیرنگ ها و جنبه های نمایشی دیگر داستان تعریف کرد که ماحصل کار برای مخاطب، آگاهی بخش، باورپذیر و خوشایند باشد. با در نظر گرفتن تمام مواردی که بر شمرده شد و البته یک برنامه ریزی دقیق و بلند مدت که فقط معطوف به شش ماه و یک سال یا مناسبت مهم پیش رو نباشد، می توان به فهرست کوتاه آثاری همچون «داستان یک شهر»، «بیگانه ای در میان ما» و «پریا» در خصوص بیماری ایدز و دو مجموعه «زمانه» و «شرم» که به مقوله سرطان می پرداختند، عناوین بیشتر که مبتنی بر کار تحقیقی و پرداخت نمایشی بهتری باشند را افزود و این سکوی دور از دسترسی نیست.



لزوم تعامل با مراکز پزشکی

اما صرف نظر از بیماری ایدز، سلامتی جامعه با انواع دیگری از بیماری ها در تهدید مداوم است که فارغ از پرداخت های مستقیم و بی واسطه به آنها در قالب برنامه های گفت و گو محور، مستند های آموزشی و... حتماً باید از ظرفیت بی انتهای قالب نمایش برای پرداختن ملموس تر به چنین مقولاتی استفاده کرد. اتفاقی که البته قدم هایی در راه تحقق آن در تلویزیون برداشته شده، ولی گستردگی آنها و مشکلاتی که به جامعه تحمیل می کنند، آنچنان وسیع است که هنوز هم باید برای پرداختن به آنها از مناظر و زوایای مختلف، قدم های موثرتری برداشت. یکی از اولین اقداماتی که در مسیر به تصویر کشیدن معضلات بیماری های سخت و کشنده، ضروری به نظر می رسد، برنامه ریزی دقیق و توأم با گرفتن مشاوره از مراکز پزشکی- درمانی برای اولویت بندی در پرداختن به آنهاست. می توان از وزارتخانه و نهادهای زیرمجموعه آن آمار دقیق و به روزی از شیوع این قبیل بیماری ها و میزان عوارض و کشندگی آنها را استخراج و آنگاه برای ساخت مجموعه های نمایشی مرتبط برنامه ریزی دقیق تری کرد، سرطان هایی نظیر سرطان های گوارشی، خون، سرطان های مردانه و زنانه و... از جمله بیماری هایی هستند که هر روزه اخباری از آنها مبنی بر ابتلا، عوارض دشوار جسمی، نایاب بودن و گرانی داروهای مرتبط و در نهایت مرگ های ناخوشایند را می شنویم. بیماری هایی که گرچه به شکل جسته و گریخته در قالب سریال های نمایشی تلویزیونی به آنها پرداخته شده، ولی اگر مبنای به تصویر کشیدن آنها آمار و ارقام دقیق و ابعاد همه جانبه پزشکی و تبعات اجتماعی شان باشد، بی شک به نتایج بهتری ختم خواهد شد.

